

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: توماج

۱۱/۰۱/۲۲

ستمگری بی اندازه جمهوری اسلامی به ضد مهاجران افغان

در خبرهای روزهای اخیر آمده بود که حدود چهارصد هزار کودک افغان ساکن ایران همچنان از تحصیل محروم هستند و به مدرسه نمی روند. هر چند آمار دقیقی از تعداد مهاجران افغان در ایران در دست نیست، اما ظاهراً حدود صد هزار دانش آموز افغان در مدارس ایران به تحصیل مشغول اند، اگر جمع این دو، تعداد واقعی کودکان افغان که باید به مدرسه بروند باشد، نتیجتاً چهار پنجم کودکان افغان به علت سیاست های ستمگرانه و حتا نژادپرستانه جمهوری اسلامی از یکی از ابتدائی ترین حقوق خود که همانا آموزش باشد محروم شده اند. اما سیاست های ارتجاعی جمهوری اسلامی فقط مربوط به تحصیل کودکان نمی شود، بلکه دیگر سخت گیری های رژیم موجب از هم پاشی خانواده ها، چه افغان و چه ایرانی – افغان و فجایع دیگر از قبیل کشته شدن مهاجران در مرزها و بی حقوقی مطلق صدها هزار کارگر افغان در ایران شده است.

مهاجرت انسان ها از نقطه ای به نقطه دیگر به قدمت تاریخ پیدایش انسان است، به اساس اکتشافات علمی تاکنونی نخستین انسان ها یا انسان نماها در قاره افریقا پدیدار شدند و سپس به دیگر نقاط جهان "مهاجرت" کردند. البته مهاجرت های اولی انسان ها ده ها و گاهی صدها سال به درازا می کشیده است.

در سده های هجدهم و نوزدهم میلادی برخی از قدرت های استعمارگر همچون انگلستان، فرانسه و پرتغال و غیره با جا به جایی میلیون ها انسان برده از قاره افریقا به قاره امریکا به "مهاجرت" سیمائی اجباری و وحشیانه دادند. در این دوران نه فقط صدها هزار انسان در کشتی ها بر اثر ازدحام و به ویژه بیماری جان دادند، بلکه در کشورهای مقصد نیز به دلیل واداشته شدن به کارهای سخت در زمین های کشاورزی، معادن و بخش های ساخت و ساز و غیره، زیر فشار کار مردند.

در سده بیستم میلادی و اکنون که چند سالی از سده بیست و یکم می گذرد بیش تر مهاجرت ها به دلایل اقتصادی و سیاسی صورت می گیرند و میلیون ها انسان از کشوری به کشوری دیگر مهاجرت می کنند با این امید که در کشور مقصد زندگی بهتری داشته باشند یا از خطرات سیاسی که در کشورهای خودشان تهدید می شدند دور گردند. هر چند دولت های سرمایه داری کنونی مانند قدرت های استعمارگر سده های پیشین با مهاجران رفتار نمی کنند و آنان

را آشکارا به بردگی نمی گیرند، اما با اتخاذ سیاست های تبعیض آمیز، وضع قوانین ضدخارجی و انواع و اقسام فشارها از سوئی از نیروی کار عمدتاً ارزان تر مهاجران استفاده می کنند و از سوئی انگشت اتهام را به سوی آنان نشانه می روند و آنان را عامل اکثر ناهنجاری ها که ذاتی نظام های طبقاتی ست و ربطی به خارجی و مهاجر بودن ندارد، متهم می کنند. البته جناح های مختلف سرمایه داری برخوردی مشابه به هم به ضد مهاجران ندارند و بسته به گرایش خود می توان آن ها را دسته بندی کرد. برای مثال در اروپا گروه های نئو – فاشیستی مانند "جبهه ملی" در فرانسه مهاجران را عامل بیکاری، جرائم اجتماعی و دیگر معضلات برآمده از نظم طبقاتی می دانند و خواهان اخراج خارجیان هستند در حالی که جناح ها و احزاب متعدد بورژوازی از یک چنین سیاستی پیروی نمی کنند.

سیاست های جمهوری اسلامی علیه مهاجران و به ویژه افغانان که بزرگ ترین تعداد مهاجران ساکن ایران را تشکیل می دهند دارای شباهت های انکار ناپذیری با سیاست های گروه های نئو فاشیستی اروپائی از قبیل جبهه ملی فرانسه، لیگ شمال ایتالیا و دیگر گروه های راست افراطی بورژوائی ست.

در حالی که کنوانسیون بین المللی حقوق کودک که جمهوری اسلامی آن را امضاء کرده است تحصیل برای کودکان را از هر ملیت و قومیت و مذهب و نژاد اجباری کرده است، جمهوری اسلامی به صدها هزار کودک افغان اجازه تحصیل نمی دهد یا با سیاستی آشکارا تبعیض آمیز خواهان راه اندازی مدارس مختص کودکان افغان می شود. در این رابطه جمال صبح خیز، سرپرست مرکز امور بین الملل و مدارس خارج از کشور وزارت آموزش و پرورش به خبرگزاری مهر گفت:

"هم اکنون کمیته کارشناسی در حال تصمیم گیری درباره وضعیت دانش آموزان "افغانه" و مدارس آنان است." سیاست ارتجاعی جمهوری اسلامی علیه حق ابتدائی تحصیل کودکان با عدم صدور کارت اقامت برای والدین آنان یا بستن شهریه سنگین برای خانواده هائی که به نان شب هم محتاج اند پیش برده می شود. به همین خاطر است که به اساس گفته سرپرست سازمان بهزیستی استان تهران بیش از هفتاد درصد کودکان کار و خیابانی ایرانی نیستند و اکثراً کودکان افغان هستند. یک فرد دیگر به نام داوود هزاره که عضو انجمن روانشناسی اجتماعی ایران است می گوید:

"کودک کار مجاز حتا اگر خانواده فقیری داشته باشد باز هم می تواند درس بخواند اما کودک غیرمجاز (یعنی کودکی که والدینش اجازه اقامت رسمی ندارند) چون از امکان تحصیل محروم است برای رفع بیکاری حتا اگر نیاز نداشته باشد به کار در خیابان، دستفروشی و دوره گردی مشغول می شود."

اما جمهوری اسلامی فقط به کودکان افغان ظلم و جور روا نمی دارد و از چند سال پیش سیاست های ارتجاعی دیگری را برای اعمال فشار به مهاجران در پیش گرفته است. با روی کار آمدن دولت امنیتی – نظامی احمدی نژاد این سیاست ها تشدید شده اند و به شیوه ای وحشیانه تر اجراء می شوند. این چنین است که از سال ۱۳۸۵ ازدواج زنان ایرانی با مردان افغان پذیرفته نمی شود و زنان ایرانی که با مردان افغان ازدواج می کنند وادار می شوند تا برای زندگی با همسران خود به افغانستان بروند. فرزندان که از چنین ازدواج هائی متولد می شوند از نظر جمهوری اسلامی "کودکان بی هویت" هستند. ابراهیم اسماعیلی وکیل و فعال حقوق کودکان به سایت خبرآنلاین گفت:

"سی و دو هزار کودک بی شناسنامه که حاصل ازدواج دختران ایرانی با اتباع بیگانه اند در وضعیت نامعلومی در ایران به سر می برند."

جمهوری اسلامی و دار و دسته های گوناگونش اغلب ادعا می کنند که حضور ملیون ها افغان در ایران "فرصت های شغلی" را از اتباع ایران سلب کرده است و موجب بیکاری شده است! آمار و ارقام موجود نشان می دهند که کارگران افغان ساکن ایران عمدتاً در استان هائی سکونت دارند که میزان بیکاری از بقیه استان ها کم تر است. از سوی دیگر کارگران افغان در بخش هائی کار می کنند که کارهای سخت و زیان آور محسوب می شوند. دستمزد کارگران در ایران هزینه های نیازهای اولیه را نمی پوشاند، این درحالی ست که کارگران افغان گاهی سه برابر کم تر از دیگر کارگران حقوق دریافت می کنند و از آن جایی که صدها هزار نفرشان فاقد کارت اقامت و اجازه کار هستند همواره با تهدید کارفرمایان مواجه اند. بسیاری از کارفرمایان کارگران افغان را بیش از دیگر کارگران استثمار می کنند چرا که آنان را به افشای موقعیت "غیرمجاز اقامتی" تهدید می کنند. این کارفرمایان زالوصفت حتا همان حقوق بخور و نمیر را سروقت به کارگران افغان پرداخت نمی کنند. از این جنبه وضعیت کارگران افغان ساکن ایران کم شباهت به بردگانی نیست که استعمارگران اروپائی در سده های پیشین از افریقا به قاره ی امریکا می بردند.

دولت احمدی نژاد با تکیه به سیاست ارتجاعی و نژادپرستانه "یک افغان در ایران یک شغل کم تر برای تبعه ایرانی" به سیاست اخراج افغانان از ایران دامن زد. در سال ۲۰۰۸ میلادی در روزهای تابستان روزانه ۶۰۰ نفر از ایران به افغانستان فرستاده شدند. محمدرفیع شهیر، رئیس شورای متخصصان هرات دو سال پیش از این به بخش فارسی رادیو المان گفت:

"تعداد مهاجران افغان که به خاطر نداشتن مدارک قانونی کار و اقامت در طول یک سال اخیر از طریق مرز دو غارون – اسلام قلعه به افغانستان بازگردانده شده اند ۱۴۹ هزار نفر بوده است. یک سال پیش از آن ایران حدود ۳۶۰ هزار افغان را ، که میانشان خانواده های افغان هم بوده اند، به افغانستان بازگردانده بود... در زمستان شمار اخراجی ها به ۷۰۰ تا ۷۵۰ نفر رسیده است."

مهاجرت افغانان به ایران با توجه به پیوندهای فرهنگی و تاریخی ایران و افغانستان فقط به دوران های اخیر برنمی گردد. اوضاع سیاسی افغانستان در سه دهه گذشته بخشی از مردم ستم دیده افغانستان را وادار به مهاجرت از کشورشان کرد. جمهوری اسلامی که با بحران های ژرف و حل نشدنی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی روبه رو ست، با دامن زدن به "مسأله مهاجران افغان" یک رشته سیاست های به شدت ارتجاعی و ضدانسانی را علیه آنان در پیش گرفته است. این رژیم به صدها هزار کودک افغان اجازه تحصیل نمی دهد و آنان را آواره خیابان ها کرده است، جایی که آنان هر لحظه در معرض انواع تعرضات و تجاوزات هستند. رژیم جمهوری اسلامی زنان ایرانی را که با مردان افغان ازدواج کرده اند وادار می کند که به افغانستان بروند این در حالی ست که این کشور هنوز صحنه جنگ و درگیری نیروهای اشغالگر خارجی از یک سو و جنایتکاران طالبان از سوی دیگر است. حکومت اسلامی ایران مدعی ست که مهاجران افغان فرصت های شغلی را از بیکاران ایرانی سلب کرده اند، این یک ادعای بی پایه و بی اساس است که از دهان رهبران احزاب نئوفاشیست و خارجی ستیز اروپائی هم بیرون می آید، گیریم که سه ملیون افغان در ایران ساکن هستند که البته همه اشان در بازار کار نیستند، آیا جمهوری اسلامی قادر است برای سه تا چهار ملیون ایرانی که اکنون در چهار گوشه جهان سکنا گزیده اند، در صورت بازگشت کار و اشتغال ایجاد کند که حالا می خواهد مهاجران افغان را به زور از ایران بیرون کند؟ جمهوری اسلامی صدها هزار کارگر افغان را با عدم صدور مدارک اقامتی وادار به سخت ترین کارها کرده است بدون این که حتا در سطح موجود حقوق صنفی و اجتماعی آنان رعایت شود. سیاست جمهوری اسلامی علیه مهاجران افغان در همه زمینه ها،

سیاستی به شدت تبعیض آمیز و ستمگرانه است. هر گونه تبعیض علیه مهاجران افغان به ویژه کودکان و زنان و کارگران باید متوقف شود. مهاجران افغان باید مانند تمام شهروندان ایران از حقوق برابر اجتماعی و سیاسی برخوردار گردند. ستم و تبعیض و آزار به ضد مهاجران افغان باید فوراً متوقف گردد.

بر گرفته از نشریه

کار شماره ۵۸۹ - سال سی و دوم - نیمه دوم دی ۸۹

ارگان رسمی

سازمان فدائیان (اقلیت)